

Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics

The Status and Comparative Study of Trust with Similar Institutions in Iranian and French Law

1. Behzad Sabetipour: PhD Student, Department of Private Law, May.C., Islamic Azad University, Maybod, Iran
2. Moein Sabahi Garaghani*: Assistant Professor, Department of Law, Ke.C., Islamic Azad University, Kerman, Iran. Email: moeinsbahigaraghani2021@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Syed Jafar Hashemi Bajgani: Assistant Professor, Department of Law, May.C., Islamic Azad University, Maybod, Iran
4. Yaser Salari: Associate Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Ke.C., Islamic Azad University, Kerman, Iran

ABSTRACT

This article conducts a comparative analysis of trust and similar institutions in Iranian and French law. The research methodology includes data collection, a review of previous works on trust and similar institutions in both legal systems, and a comparative analysis of their differences using legal sources, legal opinions, and academic articles. Trust is defined as a legal arrangement in which one or more owners transfer assets, rights, or guarantees to one or more beneficiaries, keeping them separate from their own property and acting in favor of one or more individuals without specifying a particular purpose. The origin of trust dates back to Roman times and was used during the Middle Ages by the Crusaders to manage their assets in their absence. Trust serves three primary functions: asset management for the benefit of the owner, providing security for the owner's sponsor, and transferring assets or rights to a third party. In French law, trust was formally introduced on February 19, 2007. A trust contract must specify the transferred assets or rights, the duration of the transfer (which must not exceed 99 years), the identity of the owners and beneficiaries, and the mission and powers of the trustees. Trust is used as a managerial tool for assets and can be utilized by any natural or legal person, and it can also be used to create guarantees and securities. In Iranian law, the concept of *waqf* shares similarities with trust. *Waqf* is defined as the dedication of assets for charitable or religious purposes, where the assets are managed separately from the owner's other properties. The legal definition of *waqf* in Iran includes the retention of the principal asset and the allocation of its benefits. The article compares trust in French law with *waqf* in Iranian law, highlighting their similarities and differences. Both institutions serve the purpose of managing and preserving assets for specific purposes; however, they differ in legal structures, ownership arrangements, and the designation of beneficiaries. Trust in French law provides greater flexibility concerning beneficiaries and purposes, whereas *waqf* in Iranian law is typically used for religious or charitable purposes. This study also examines other similar institutions in Iranian and French law, such as the third-party beneficiary contract in French law. These institutions serve similar objectives in protecting and managing assets for the benefit of others but have distinct legal frameworks and applications. The research concludes that while trust, *waqf*, and similar institutions play significant roles in both Iranian and French legal systems, there are substantial differences in their conceptualization, implementation, and legal status. Overall, this comparative study emphasizes the importance of understanding and adapting legal institutions in different legal systems to better serve societal needs and protect individual rights.

Keywords: Trust, Iran, France, Law, Comparative Study.

How to cite: Sabetipour, B., Sabahi Garaghani, M., Hashemi Bajgani, S. J., & Salari, Y. (2025). The Status and Comparative Study of Trust with Similar Institutions in Iranian and French Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(2), 80-95.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 14 January 2025
Revise Date: 15 February 2025
Accept Date: 22 February 2025
Publish Date: 04 August 2025



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

جایگاه و مطالعه تطبیقی تراست با نهادهای مشابه در حقوق ایران و فرانسه

۱. بهزاد ثابتی پور: دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

۲. معین صباحی گراغانی*: استادیار گروه حقوق، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان ایران. پست الکترونیک:

moeinsbahigaraghani2021@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. سید جعفر هاشمی باجگانی: استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

۴. یاسر سالاری: دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی تراست و نهادهای مشابه در حقوق ایران و فرانسه می‌پردازد. روش تحقیق شامل جمع‌آوری اطلاعات، مطالعه آثار پیشین درباره تراست و نهادهای مشابه در هر دو نظام حقوقی، و تحلیل تطبیقی و تفاوت‌های بین آن‌ها با استفاده از منابع قانونی، نظرات حقوقی و مقالات علمی است. تراست به عنوان ترتیبی حقوقی تعریف می‌شود که در آن یک یا چند مالک، اموال، حقوق یا تضمینات را به یک یا چند ذینفع منتقل می‌کنند، آن‌ها را از دارایی خود جدا نگه می‌دارند و به نفع یک یا چند نفر بدون تعیین هدف خاصی عمل می‌کنند. منشأ تراست به زمان روم بازمی‌گردد و در قرون وسطی توسط صلیبیون برای مدیریت دارایی‌هایشان در غیابشان استفاده می‌شد. تراست سه کارکرد اصلی دارد: مدیریت دارایی به نفع مالک، ایجاد تضمین برای حامی مالک، و انتقال اموال یا حقوق به شخص ثالث. در حقوق فرانسه، تراست به طور رسمی در ۱۹ فوریه ۲۰۰۷ معرفی شد. قرارداد تراست باید اموال یا حقوق منتقل شده، مدت انتقال (که نباید از ۹۹ سال تجاوز کند)، هویت مالکان و ذینفعان، و مأموریت و اختیارات متولیان را مشخص کند. تراست به عنوان ابزاری مدیریتی برای دارایی‌ها استفاده می‌شود، می‌تواند توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی استفاده شود، و همچنین می‌تواند برای ایجاد تضمینات و اوراق بهادار مورد استفاده قرار گیرد. در حقوق ایران، مفهوم وقف شباهت‌هایی با تراست دارد. وقف به عنوان اختصاص اموال برای اهداف خیریه یا مذهبی تعریف می‌شود، که در آن اموال به طور جداگانه از سایر دارایی‌های مالک نگهداری و مدیریت می‌شوند. تعریف حقوقی وقف در ایران شامل حبس عین مال و تسبیل منافع آن است. مقاله به مقایسه تراست در حقوق فرانسه با وقف در حقوق ایران می‌پردازد و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را برجسته می‌کند. هر دو نهاد برای مدیریت و حفظ دارایی‌ها برای اهداف خاص خدمت می‌کنند، اما در ساختارهای حقوقی، ترتیب مالکیت و تعیین ذینفعان متفاوت هستند. تراست در حقوق فرانسه انعطاف‌پذیری بیشتری در زمینه ذینفعان و اهداف فراهم می‌کند، در حالی که وقف در حقوق ایران معمولاً برای اهداف مذهبی یا خیریه استفاده می‌شود. این مطالعه همچنین به بررسی سایر نهادهای مشابه در حقوق ایران و فرانسه، مانند تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق فرانسه، می‌پردازد. این نهادها اهداف مشابهی در حفاظت و مدیریت دارایی‌ها به نفع دیگران دارند، اما دارای چارچوب‌های حقوقی و کاربردهای متمایزی هستند. تحقیق نتیجه می‌گیرد که اگرچه تراست، وقف و نهادهای مشابه نقش‌های مهمی در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه ایفا می‌کنند، اما تفاوت‌های قابل توجهی در مفهوم‌سازی، اجرا و وضعیت حقوقی آن‌ها وجود دارد. به طور کلی، این مطالعه تطبیقی بر اهمیت درک و تطبیق نهادهای حقوقی در نظام‌های حقوقی مختلف برای خدمت بهتر به نیازهای جامعه و حفاظت از حقوق فردی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: تراست، ایران، فرانسه، حقوق، مطالعه تطبیقی.

نحوه استناددهی: ثابتی پور، بهزاد، صباحی گراغانی، معین، هاشمی باجگانی، سید جعفر، و سالاری، یاسر. (۱۴۰۴). جایگاه و مطالعه تطبیقی تراست با نهادهای مشابه در حقوق ایران و فرانسه. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۱۷(۲)، ۸۰-۹۵.

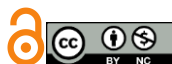
© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۴ دی ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۶ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ مرداد ۱۴۰۴



موضوع تراست به عنوان یکی از نهادهای حقوقی مهم و قدرتمند در سازمان‌دهی حقوقی کشورها، در دهه‌های اخیر بین پژوهشگران و علاقه‌مندان به حقوق، مورد توجه و بحث فراوانی قرار گرفته است. در این بحث، تراست به عنوان یکی از عناصر کلیدی در حفظ حقوق و آزادی‌های افراد و همچنین ایجاد عدالت و تعادل در سیستم‌های حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تاریخچه بحث درباره تراست در حقوق ایران و فرانسه به دهه‌ها پیش از امروز بازمی‌گردد. در حقوق ایران، مفاهیمی شبیه به تراست در قوانین و مقررات قدیمی وجود داشته است. برای مثال، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برخی از مبانی اخلاقی و اصولی همچون عدالت اسلامی و حقوق مردم نقشی مشابه با تراست در تأسیس این قوانین داشته‌اند. اما با تغییرات قوانین و اصلاحات در حقوق ایران، مفهوم تراست به عنوان یک نهاد حقوقی به صورت رسمی مطرح شده است. از سال ۱۳۸۴ با اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعهد دولت به تراست به صورت صریح در متن قانون اساسی بیان شده است.

در مجموعه قوانین کشور نیز، مقرراتی درباره تراست وجود دارد که مبنایی برای حفظ حقوق و آزادی‌های مردم است. در حقوق فرانسه نیز، مفهوم تراست به طور فراگیری در سیستم حقوقی و قانون این کشور بکار گرفته می‌شود. تحت تأثیر نظریه‌های حقوقی مدرن، این مفهوم نهاد به شکل کامل‌تری در قوانین و مقررات فرانسه شکل گرفته است. با تأسیس جمهوری پس از انقلاب فرانسه، مبانی قانونی و اصولی مانند تساوی و عدالت در قوانین جدید بیشتر توجه شده است و مفهوم تراست به عنوان یکی از اصول اساسی سیستم حقوقی در این کشور به رشد و تقویت رسیده است. بدین ترتیب، تاریخچه بحث درباره تراست در حقوق ایران و فرانسه، از قدمتی باستانی آغاز شده و تحت تأثیر تغییرات قوانین و اصلاحات به شکل کنونی رسیده است. این بحث و تحلیل مقایسه‌ای هدف دارد تا به درک بهتری از جایگاه و نقش تراست در حقوق این دو کشور برسیم و برای بهبود و توسعه تراست در این سیستم‌های حقوقی پیشنهادها و راهکارهای را ارائه کنیم. در این پژوهش، با عنوان جایگاه و مطالعه تطبیقی تراست با نهادهای مشابه در حقوق ایران و فرانسه، به بررسی مفهوم و مفاد تراست در این دو کشور پرداخته می‌شود. با توجه به محتوا و مفاد ارائه شده در این مقاله پژوهشی، تحلیل و بررسی دقیق تراست در حقوق ایران و فرانسه می‌تواند به درک بهتری از این نهاد و نقش آن در بهبود حقوق و آزادی‌های افراد کمک کند.

روش‌شناسی

ابتدا با جمع‌آوری اطلاعات و مطالعه مؤلفات قبلی درباره تراست و نهادهای مشابه در حقوق ایران و فرانسه آغاز می‌شود. سپس، موارد مطالعه با تحلیل و مقایسه موازات و تفاوت‌ها بین این دو نظام حقوقی بررسی می‌شوند. استفاده از منابع و مؤلفه‌های قانونی، مثل قوانین، نظریات حقوقی و مقالات علمی در این مرحله صورت می‌گیرد. در نهایت، نتایج و استنباط‌های به دست آمده از تحلیل مقایسه‌ای بین تراست و نهادهای مشابه در حقوق ایران و فرانسه ارائه می‌شود.

۱. مفهوم تراست در حقوق ایران و فرانسه

۱.۱. مفهوم تراست در حقوق ایران

مفهوم تراست در حقوق ایران به عنوان نهادی از نظام حقوقی کامن لا شناخته می‌شود که در آن شخصی اموالی را به دیگری (تراستی) می‌سپارد تا به نفع شخص ثالثی اداره شود. این مفهوم در ایران شامل حقوق مختلفی مانند حقوق کنترل مالی، مالکیت فکری، تجاری، قراردادی و شخصی است. وجود قصد، تعیین ذینفع و اموال موضوع از ارکان ایجاد تراست هستند. در ایران، مفهوم تراست به نوعی مشابه وقف قلمداد

می‌شود (Barzegar & Pasban, 2010; David & Joffre-Spinosi, 2005). از طرفی، تراست در فرانسه یک نوع قرارداد حقوقی است که بر اساس آن، یک شخص (که از نظر حقوقی «تراستی» نامیده می‌شود) اموال و دارایی‌های خود را تحت نظارت و مدیریت خودش یا تراستی دیگری قرار می‌دهد تا در بهره‌برداری و مدیریت آن‌ها بر حسب شرایط خاصی عمل کند. این شخص مشتری تراست می‌تواند مدیریت، نگهداری و استفاده از اموال و دارایی‌های خود را به صورت مشترک با تراستی دیگر به عنوان «تراستی منتقل کننده» یا به صورت انفرادی انجام دهد. بنابراین، اگرچه وقف و تراست در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما کاربردها، مفاهیم و حقوقی که آن‌ها بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرند، ممکن است به شکل متفاوتی باشد. فرهنگ و سیستم حقوقی هر جامعه تعیین کننده اصلی برای این تفاوت‌ها است.

۲.۱. مفهوم تراست در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، تراست از ریشه رومی *fiducia* و مفهوم تراست انگلیسی الهام گرفته است. طبق ماده ۲۰۱۱ قانون مدنی فرانسه، تراست فرآیندی است که در آن مالکان، اموال یا حقوقی را به ذینفعانی منتقل می‌کنند که آن‌ها را از دارایی خود جدا نگه داشته و به نفع دیگران عمل می‌کنند. تراست در فرانسه برای سه عملکرد اصلی استفاده می‌شود: مدیریت دارایی، ایجاد تضمین و انتقال اموال. این مفهوم از ۱۹ فوریه ۲۰۰۷ به طور رسمی وارد حقوق فرانسه شده است (Bem, 2022; Dubois, 2018; Ibarra Garza & Larroumet, 2014).

۲. نهادهای مشابه با تراست در حقوق ایران

۱.۲. مفهوم فقهی و حقوقی وقف در ایران

الف: معنای حقوقی وقف

وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود» در اصطلاح حقوق نیز در وقف مفهوم نگاهداشتن و بازداشتن در همه جا مورد نظر است. بعضی از حقوقدانان اعتقاد دارند که وقف دارای دو معنای نزدیک به هم است که در معنای اول واقف برای رسیدن به پاداش معنوی اموال خود را حبس می‌کند تا از دستبرد در امان باشد و منافع آن در جهتی که وقف شده استفاده شود. همان تعریفی که در ماده مذکور آمده است در معنای دوم نیز از نهاد حقوقی به نام سازمان وقف تعبیر شده که به دلیل مصطلح نبودن شخصیت حقوقی میان فقها مواردی از قبیل مسجد و بیت المال و وقف چارچوب مدونی نداشت. لکن امروزه وقف سازمانی است دارای مدیر و ناظر و اموالی خاص که به آن شخص حقوقی وقف گفته می‌شود (Katouzian, 1999). حقوقدانان دیگر در وقف به ماده ۵۵ تکیه کرده و حبس مال را نگاهداشتن عین مال از نقل و انتقال و همچنین از تصرفاتی می‌دانند که موجب تلف عین مال می‌شود، چون غرض از وقف را انتفاع همیشگی موقوف علیهم از مال موقوفه دانسته‌اند. به همین دلیل در فارسی معنای وقف ایستادن و نگاهداشتن و غرض از تسبیل منافع نیز واگذاری منافع در راه خداوند و امور خیریه اجتماعی است. برخی دیگر از حقوقدانان گفته‌اند: وقف در اصطلاح حقوقی عبارت است از حبس عین مال و تسبیل منافع. منظور آن است که عین مال از نقل و انتقال و تلف حفظ شود و منافع آن به مصارف خیر اختصاص یابد (Abhari Ali-Abad & Razian, 2007).

به‌طور کلی معنای حقوقی وقف به تبیین وضعیت قانونی و قوانین ارتباطی و مربوط به وقف در یک ساختار حقوقی خاص می‌پردازد. در این مفهوم، وقف به‌عنوان یک نهاد حقوقی که توسط قوانین و مقررات تنظیم می‌شود، بیانگر ثبت و انتقال مالکیت یا حقوق مالکیت به واقف به‌منظور استفاده از آن مال به صورت تعیین شده و در چارچوب قوانین مربوطه است. به عبارت دیگر، وقف در حقوق به‌عنوان فرآیندی حقوقی

شناخته می‌شود که با ایجاد وقفنامه و اختصاص دارایی به هدف خیریه یا اجتماعی، تأمین و مدیریت دارایی به منفعت جامعه و اشخاص مشخص می‌شود معنای حقوقی وقف به تبیین وضعیت قانونی و قوانین ارتباطی و مربوط به وقف در یک ساختار حقوقی خاص می‌پردازد. در این مفهوم، وقف به عنوان یک نهاد حقوقی که توسط قوانین و مقررات تنظیم می‌شود، بیانگر ثبت و انتقال مالکیت یا حقوق مالکیت به واقف به منظور استفاده از آن مال به صورت تعیین شده و در چارچوب قوانین مربوطه است.

به عبارت دیگر، وقف در حقوق به عنوان فرآیندی حقوقی شناخته می‌شود که با ایجاد وقفنامه و اختصاص دارایی به هدف خیریه یا اجتماعی، تأمین و مدیریت دارایی به منفعت جامعه و اشخاص مشخص می‌شود. وقف در این مفهوم به منظور تأمین هزینه‌های عمومی، ساخت و ساز و تعمیر مساجد و مدارس، حمایت از طرح‌ها و سازمان‌ها، ترویج فرهنگ و هنر، تأمین نیازهای اجتماعی و سایر اهداف اجتماعی و خیریه استفاده می‌شود. در حقوق، وقف به عنوان یک عقد قانونی به منظور اختصاص دارایی به هدف مشخص، در قالب یک سند رسمی و نامه وقفنامه، ثبت می‌شود.

وقفنامه حاوی مفاد و شرایطی است که از جمله آن می‌توان به شناسایی واقف (فرد یا سازمان)، مشخص کردن دارایی‌های واقف و نحوه استفاده از آن‌ها، تعیین نامه‌ها و قوانین بازیابی دارایی و نیز فرآیند نگهداری و مدیریت اموال اشاره کرد. وقف در حقوق به منظور حفظ حقوق و تأمین منافع واقف و همچنین محافظت اجتماعی و خیریه است که توسط قوانین و مقررات حاکم در هر کشور تنظیم و نظارت می‌شود. قوانین و مقررات وقف در هر جامعه ممکن است تفاوت‌هایی داشته باشند، اما هدف اصلی آن اختصاص دارایی به هدف مشخص و عمل بهره‌برداری از آن باشد. در این مفهوم، وقف یک ابزار حقوقی است که به افراد و سازمان‌ها امکان می‌دهد تا دارایی‌های خود را برای استفاده عمومی و خیریه به وقف اختصاص دهند و با کنترل و نظارت دقیق از سوی نهادهای حقوقی، اطمینان حاصل کنند که منافع و منافع عمومی مورد توجه و تأمین شده‌اند. از این رو، وقف در حقوق به عنوان یک تأمین‌کننده برای نیازهای اجتماعی و خیریه، توسعه اقتصادی و اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی اهمیت بسیاری دارد.

ب: معنای فقهی وقف

از لحاظ فقهی درباره مفهوم وقف اختلاف نظر وجود دارد که ناشی از آن است که عده‌ای آن را عقد دانسته و عده‌ای دیگر آن را از ایقاعات شمرده‌اند. البته مسائل دیگر مانند لزوم یا عدم لزوم قصد قربت در صحت وقف نیز محل اختلاف است. به هر حال اختلافات در شرایط تحقق وقف ذکر معانی مختلف برای وقف را سبب شده است. برخی از فقها وقف را از صدقات می‌دانند به عبارت دیگر وقف صدقه‌ای جاریه است که نتیجه آن حبس اصل مال و مطلق شدن منفعت آن است. عده‌ای نیز وقف و صدقه را موضوع واحد می‌دانند. عده‌ای دیگر وقف را عقد تلقی و اقتضای آن را تحبیس الاصل و اطلاق المنفعه می‌دانند. فقهی دیگر می‌گوید این که وقف را به تحبیس الاصل و اطلاق المنفعه معنا کرده‌اند. مستفاد از حدیث نبوی است که می‌فرماید: «حبس الاصل و تسبیل الثمره» اما این که از کلمه تسبیل عدول شده به آن جهت است که کلمه اطلاق به مراد و مقصود واقف نزدیک‌تر است، چون مقصود واقف اباحه در تصرف و مصرف عین موقوفه در جهت وقف است (Abhari Ali-Abad & Razian, 2007). در مجموع وقف در فقه اسلامی به معنای اختصاص دارایی به هدف خیریه، عبادی، علمی، فرهنگی و سایر امور اجتماعی مورد نیاز افراد و جامعه است.

در این مفهوم، وقف به عنوان عمل اختصاص دادن مال یا دارایی به منفعت عموم انسانی به منظور خدمت به جامعه و تحقق مصالح علمی، فرهنگی، خیریه و دیگر منافع اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. وقف در فقه اسلامی مأموریتی اخلاقی و انسانی دارد و نشان از تعهد افراد برای

بهبود شرایط اجتماعی و رفع نیازهای انسانی است. و معنای فقهی وقف در فقه اسلامی به اختصاص دارایی به هدف خیری، عبادی، علمی، فرهنگی و سایر امور اجتماعی مورد نیاز افراد و جامعه اشاره دارد. وقف در فقه به عنوان ایجاد وقفنامه و اختصاص دارایی به مصالح عمومی و خیریه، تأمین و مدیریت اموال به منفعت جامعه و اشخاص مشخص می‌شود. این نهاد به منظور تقویت و توسعه امور خیریه، آداب و رسوم دینی، تحقیقات علمی، ترویج فرهنگ و هنر، ساخت و ساز و تعمیر مسجد و مدارس، و تأمین هزینه‌های عمومی به کار گرفته می‌شود. به طور کلی، وقف در فقه اسلامی نشان از تعهد افراد به تأمین نیازهای اجتماعی و تحقق مصالح عمومی می‌باشد. در این راستا، وقف نقش اساسی در توسعه اجتماعی و حفظ عدالت اجتماعی را ایفا می‌کند.

۲.۲. مفهوم فقهی و حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در ایران

الف: معنای فقهی تعهد به نفع شخص ثالث

تعهد به نفع شخص ثالث در فقه به معنای برقراری تعهد و گذاری حقوقی توسط یک شخص به منظور بهره‌برداری یا ذخیره از فایده‌ای برای فرد دیگری است که در قرارداد نقش اصلی نداشته و به عنوان یک شخص ثالث تأثیرگذار در قرارداد شناخته می‌شود. این نوع تعهد معمولاً در قوانین تعهدی و قراردادهای مربوط به حقوق مدنی مورد بررسی و تنظیم قرار می‌گیرد. مفهوم حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در فقه امامیه به این معنا است که یک طرف قرارداد تعهدی را می‌پذیرد که منافع مشخصی را به صورت مستقیم برای فرد ثالث تأمین کند. موارد ذیل به عنوان نظریه کلی تعهد به نفع شخص ثالث در فقه امامیه مورد تأیید صدق و اراده طرفین قرارداد است و فقط صرف ذی نفع بودن شخص ثالث از شرط، حق لازم الاجرا برای او را فراهم نمی‌کند.

اصل نسبی بودن اثر قراردادها در فقه امامیه پذیرفته شده است، اما امکان تعیین اثر قرارداد به نفع شخص ثالث وجود دارد. حق مطالبه شرط اصولاً با مشروط له است، اما در صورت قصد صریح طرفین، شخص ثالث نیز می‌تواند حق مستقل مطالبه داشته باشد. تعهد به نفع شخص ثالث بدون نیاز به قبول او و با توافق طرفین قرارداد قابل حصول است، مشروط بر رعایت شرایط صحت معامله. اصولاً این تعهد با ترضی طرفین قابل اسقاط است، مگر در شرایطی که طرفین این حق را از خود سلب کرده باشند (Mohaqqeq Damad & Sadeghi, 2000). در کل، تعهد به نفع شخص ثالث در فقه امامیه به این معنا است که حقوق و تعهدهایی که برای شخص ثالث در قرارداد بوجود می‌آید، در صورت مصادق شدن با اصول و شرایط فقهی، قابل اجرا و اعمال هستند.

ب: معنای حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث

مفهوم حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق مدنی به این معناست که یک طرف قرارداد تعهدی را می‌پذیرد که منافع مشخصی را به صورت مستقیم برای فرد ثالث تأمین کند. در این حالت، فرد ثالث که در قرارداد نقش اصلی نداشته است. بنا به اصل ۱۰ قانون مدنی ایران، تعهد به نفع شخص ثالث در قرارداد به معنای تعهد طرف یک (متعهد) نسبت به طرف دیگر (متعهدله) است که برای شخص ثالث (ذینفع) حق یا تعهدی را ایجاد کند. این تعهد می‌تواند به صورت صریح یا ضمنی در قرارداد صورت گیرد. به عبارت دیگر، طرفین (وعده دهنده و طرف وعده) با توافق صریح یا ضمنی می‌توانند حقی را به یک طرف ثالث (ذینفع) اعطا کنند (Emami, 2006).

با توجه به ماده ۲۳۱ قانون مدنی ایران، تعهد به نفع شخص ثالث در قرارداد به این معناست که حقوق و تعهدهای مترتب بر قرارداد فقط به طرفین و قائم مقام قانونی آنها متوجه می‌شود. این آثار شامل حق تعقیب نیز می‌شود، به این معنا که یک شخص ثالث نمی‌تواند بر اساس

یک قرارداد دیگر را تعقیب کند یا خود متعهد به تعقیب قرار گیرد. در نتیجه، حقوق و تعهدهای قراردادی فقط نسبت به طرفین قرارداد و قائم مقام قانونی آنها اعمال می‌شود و بر سایر افراد تأثیر نمی‌گذارد (Ansari & Taheri, 2005). با توجه به مواد ۲۳۱ و ۱۹۶ قانون مدنی ایران، تعهد به نفع شخص ثالث یک استثناء از اصل نسبی بودن قراردادها است. به طور صریح در ماده ۲۳۱ آمده است که معاملات و عقود تنها متوجه طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی آنها است، به استثنای ماده ۱۹۶. در ماده ۱۹۶ نیز آمده است که کسی که معامله می‌کند، آن معامله برای خودش محسوب می‌شود، به استثنای مواردی که در زمان عقد خلاف آن را تصریح کند یا بعداً خلاف آن ثابت شود. بنابراین، در ضمن معامله، شخص می‌تواند تعهدی به نفع یک شخص ثالث ایجاد کند (Jafari Langroudi, 2005).

۳. قوانین و مقررات مرتبط با وقف در ایران و تراست در فرانسه

۱.۳. قوانین مرتبط با وقف در ایران

طبق ماده ۵۵ قانون مدنی «وقف عبارت است از این‌که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.» برای انعقاد وقف به جز «شرایط اساسی صحت قراردادها» شرایط خاصی ضروری است که عبارت‌اند از:

▪ **حبس عین:** وقف‌دهنده در مدت وقف، حق هیچ‌گونه دخل و تصرفی در عین موقوفه ندارد. یعنی واقف حق ندارد که مال موقوفه را بفروشد یا این‌که هرگونه نقل و انتقال حقوقی نسبت به مال موقوفه انجام دهد یا تصرفی در مال موقوفه بکند که منافی وقف باشد.

▪ **تسبیل منفعت:** وقف در صورتی صحیح است که منظور واقف از وقف حبس عین به منظور قرب الهی و فی سبیل الله باشد.

▪ **قابلیت بقای عین:** «فقط وقف مالی جایز است که با بقای عین بتوان از آن منتفع شد...» (ماده ۵۸ قانون مدنی) بنابراین وقف مالی که در صورت استفاده از آن مال، قابلیت بقا ندارد باطل است؛ به عنوان مثال خوراکی‌ها را نمی‌توان وقف نمود.

▪ **قبض عین:** وقف از عقود تشریفاتی است، بنابراین وقف زمانی تحقق پیدا می‌کند که واقف عین موقوفه را در اختیار موقوف‌علیه، یا موقوف‌علیهم قرار دهد و عین موقوفه به قبض موقوف‌علیه یا موقوف‌علیهم درآید.^۱

برخی مواد قانونی وقفه در قانون کشور ایران به قرار زیر است:

• ماده ۵۵

وقف عبارت است از این‌که عین مال، حبس و منافع آن تسبیل شود.

• ماده ۵۶

وقف واقع می‌شود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنی آن کند و قبول طبقه اول از موقوف‌علیهم یا قائم مقام قانونی آنها در صورتی که محصور باشند مثل وقف بر اولاد و اگر موقوف‌علیهم غیرمحمصور یا وقف بر مصالح عامه باشد در این صورت قبول حاکم، شرط است.

• ماده ۵۷

واقف باید مالک مالی باشد که وقف می‌کند و به علاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات، معتبر است.

^۱ قانون مدنی پایگاه ملی اطلاع رسانی قوانین و مقررات کشور <https://dotic.ir/>

• ماده ۵۸

فقط وقف مالی جایز است که با بقای عین بتوان از آن منتفع شد اعم از این که منقول باشد یا غیرمنقول، مشاع باشد یا مفروز.

• ماده ۵۹

اگر واقف، عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد وقف محقق نمی‌شود و هر وقت به قبض داد وقف تحقق پیدا می‌کند.

• ماده ۶۰

در قبض، فوریت شرط نیست بلکه مادامی که واقف رجوع از وقف نکرده است هر وقت قبض بدهد وقف تمام می‌شود.

• ماده ۶۱

وقف، بعد از وقوع آن به نحو صحت و حصول قبض، لازم است و واقف نمی‌تواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری بدهد یا از موقوف‌علیهم کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف‌علیهم نماید یا با آن‌ها شریک کند یا اگر در ضمن عقد متولی معین نکرده بعد از آن متولی قرار دهد یا خود به عنوان تولیت دخالت کند.

• ماده ۶۲

در صورتی که موقوف‌علیهم محصور باشند خود آن‌ها قبض می‌کنند و قبض طبقه‌ی اولی کافی است و اگر موقوف‌علیهم غیرمحصور یا وقف بر مصالح عامه باشد، متولی وقف، والا حاکم قبض می‌کند.

• ماده ۶۳

ولی و وصی محجورین، از جانب آن‌ها موقوفه را قبض می‌کنند و اگر خود واقف، تولیت را برای خود قرار داده باشد قبض خود او کفایت می‌کند (Joneidi, 2019).

۲.۳. قوانین مرتبط با تراست در فرانسه

در فرانسه، قوانین مرتبط با تراست یا صندوق قراردادی به نام «fiducie» می‌باشند. صندوق قراردادی یا تراست در فرانسه تحت قوانین مدنی تنظیم می‌شود و در کد مدنی فرانسه، ماده ۲۰۱۱ به بعد به وقوع پیوسته است. از تاریخ ۱ فوریه ۲۰۰۹، یک نظام جدید در زمینه تراست به اجرا درآمده است. این نظام به افراد حقیقی اجازه می‌دهد اموال و حقوق خود را به صورت تراست منتقل کنند. همچنین، این نظام به وکلای حقوقی این امکان را می‌دهد که به عنوان منتفی تراست فعالیت کنند. با ورود این نظام جدید، امکانات جدیدی در ارتباط با تراست معرفی شده است. برخی از این امکانات شامل تراست اعتباری و تراست مدیریت می‌شوند. این نظام همچنین تأثیرات مالی و حسابداری تراست را در حساب‌های فردی و نیز حساب‌های تلفیقی تحلیل می‌کند (Francis L E, 2009); این قوانین شامل موارد زیر است:

۱. تعریف صندوق قراردادی (تراست): قانون فرانسوی تعریف تراست یا صندوق قراردادی را به عنوان یک توافق بین دو یا چند طرف تعریف می‌کند که یک دارایی یا مجموعه دارایی‌ها را به مدت مشخصی تحت واگذاری یا مدیریت یک فرد حقوقی مورد توافق قرار می‌دهد.

۲. انتقال دارایی به صندوق قراردادی: طرفان در قرارداد تراست، شرایط انتقال دارایی‌ها به صندوق قراردادی را تعیین می‌کنند. این انتقال ممکن است به صورت موقت یا دائمی باشد.

۳. نقش ناظر بر صندوق قراردادی: قانون فرانسوی اجازه می‌دهد تا یک ناظر مستقل برای نظارت بر عملکرد صندوق قراردادی تعیین شود. ناظر مسئولیت اطمینان حاصل می‌کند که عملکرد صندوق مطابق با شرایط قرارداد و قوانین مربوطه است.

۴. استفاده‌های متنوع تراست: قوانین فرانسوی به صندوق قراردادی اجازه می‌دهد برای موارد مختلفی مانند موضوعات خانواده، میراث، مالیات، سرمایه‌گذاری و غیره استفاده شود. تراست می‌تواند برای حفظ دارایی‌ها، تقسیم میراث، بهره‌برداری مالیاتی و سایر منافع مورد استفاده قرار گیرد.

در کل، قوانین مرتبط با تراست در فرانسه برای طراحی قراردادهای تراست و انتقال دارایی‌ها به منظور حفظ، مدیریت و بهره‌برداری از آن‌ها، از دسترسی به منافع مشخص و حفظ منافع طرفان مشارکت‌کننده در تراست، اطمینان حاصل می‌کند (Beaulne & Barette, 2015).

• ماده ۲۰۱۱:

این ماده مربوط به تراست عملیاتی است که طی آن یک یا چند شهرک نشین دارایی، حقوق یا منافع امنیتی را به یک یا چند امین منتقل می‌کنند، به منظور دسترسی به آن‌ها به منظور رسیدن به هدف خاصی که یک یا چند ذینفع از آن بهره‌مند می‌شوند.

• ماده ۲۰۱۲:

این ماده تعریف می‌کند که اعتماد به موجب قانون یا قرارداد ایجاد می‌شود، و اگر دارایی‌ها، حقوق یا اوراقی که به دارایی‌های امانی منتقل می‌شود به اجتماع موجود بین زوجین یا مالکیت مشترک وابسته باشد، قرارداد امانی با اسناد رسمی است.

• ماده ۲۰۱۳:

این ماده بیان می‌کند که قرارداد امانی باطل است اگر از نظر عقلانی و منصفانه ناشی از قصد آزادانه به نفع ذی نفع باشد.

• ماده ۲۰۱۵:

این ماده مشخص می‌کند که تنها مؤسسات اعتباری، مؤسسات و خدمات بانکی و مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، و شرکت‌های بیمه امین می‌توانند با صلاحیت امینی را برعهده بگیرند، و اعضای حرفه و کالت نیز ممکن است دارای این صلاحیت باشند.

• ماده ۲۰۱۷:

این ماده بیان می‌کند که در تسویه حساب‌های امانی، تسویه‌کننده می‌تواند در صورت صراحت در قرارداد، شخص ثالثی را به عنوان مسئول تضمین اجرای قرارداد و حفظ منافع خود انتخاب کند، و در صورتی که شهرک نشین شخص حقیقی باشد نمی‌تواند از این حق چشم‌پوشی کند.

• ماده ۲۰۱۸:

این ماده تعیین می‌کند که قرارداد امانی به شرایط زیر برای بطلان می‌انجامد: کالاها، حقوق یا اوراق بهادار منتقل شده باید تعیین‌پذیر باشند، مدت انتقال نمی‌تواند بیش از ۹۵ سال باشد، باید هویت طرف‌های قرارداد، شخص امین و ذینفعان معلوم باشد، و همچنین مأموریت و اختیارات امین تعیین شده باشد.

• ماده ۲۰۱۸-۱:

قرارداد تراست‌هایی که شهرک‌نشین استفاده یا بهره‌مندی از دارایی‌های امانی را حفظ می‌کنند، مستثنا از فصل‌های چهارم و پنجم عنوان چهارم کتاب اول قانون تجارت می‌باشند.

• ماده ۲۰۱۸-۲:

دیونی که در چارچوب امانت واگذار می‌شوند، در تاریخ امانت یا اصلاحیه رسمی قابل اجراست. اجرا فقط با آگاهی بدهکار از سوی واگذارنده یا امین انجام می‌شود.

• ماده ۲۰۱۹:

در صورتی که قرارداد امانی و اصلاحات آن باطل شود، طبق شرایط مقرر در قانون مالیات عمومی، در اداره مالیاتی مرکز امین یا سازمان مالیاتی ثبت می‌شود.

• ماده ۲۰۲۰:

ثبت ملی تراست‌ها بر اساس شرایطی که در حکم شورای دولتی تعیین می‌شود انجام می‌شود.

• ماده ۲۰۲۱:

در قرارداد امانی، امین باید به صراحت عمل خود را اعلام کند. در مورد دارایی‌های امانی که انتشار آن‌ها وابسته به انتشار است، نام امین باید ذکر شود.

• ماده ۲۰۲۲:

قرارداد امانی شرایطی را تعریف می‌کند که در آن امین مأموریت خود را به شهرک‌نشین گزارش می‌دهد. در صورت قیمومیت مؤسسه، امین به درخواست ولی مأموریت خود را به قیم گزارش می‌دهد. امین همچنین در صورت قیمومیت مستاجر، مأموریت خود را به شهرک‌نشین و متولی او گزارش می‌دهد. گزارش مأموریت امین به ذینفع و شخص ثالث تعیین شده براساس درخواست آن‌ها صورت می‌گیرد.

• ماده ۲۰۲۳:

قانون شماره ۲۰۰۷-۲۱۱ درباره امانت و دارایی‌های امانی تصویب شد. این قانون به امین توانایی می‌دهد که در رابطه با دارایی‌های مورد امانت اختیارات گسترده‌ای داشته باشد، مگر اینکه ثابت شود اشخاص ثالث از محدودیت‌های اختیارات وی آگاه بوده‌اند.

• ماده ۲۰۲۴:

تغییری در قانون شماره ۲۰۰۷-۲۱۱ صورت گرفت و به امین تأثیری در گشایش، دریافت یا انحلال دارایی‌های امانتی نمی‌دهد.

• ماده ۲۰۲۵:

اصلاحاتی در قانون شماره ۲۰۰۷-۲۱۱ اعمال شد. به جز موارد تقلب در حقوق طلبکاران اعطاکننده، توقیف دارایی‌های امانتی تنها توسط دارندگان امانت امکان‌پذیر است. در صورت کمبود دارایی‌های امانت، دارایی‌های تسویه‌کننده وثیقه مشترک بستانکاران را تشکیل می‌دهد.

• ماده ۲۰۲۶:

ماده ۲۰۲۶ مشخص می‌کند که امین در مورد دارایی خود مسئول خطاهایی است که در انجام وظایف خود مرتکب می‌شود.

• ماده ۲۰۲۷:

قانون شماره ۲۰۰۸-۷۷۶ شماره ۱۸ مصوب ۴ اوت ۲۰۰۸ به قانون شماره ۲۰۰۷-۲۱۱ اصلاحی اعمال شد. در صورتی که امین وظایف خود را کوتاهی کند یا منافی را که به او سپرده شده است به خطر بیاندازد، تسویه حساب به تصمیم مشمولان یا شخص ثالث می‌تواند درخواست تعیین امین موقت یا جایگزینی امین را از دادگاه‌ها خواستار شود.

• ماده ۲۰۲۸:

ماده ۲۰۲۸ می‌گوید که قرارداد امانتی قبل از پذیرش توسط ذینفع می‌تواند توسط اعطاکننده منسوخ شود. پس از پذیرش، قرارداد فقط با موافقت ذینفع یا با تصمیم دادگاه قابل تغییر یا لغو است.

• ماده ۲۰۲۹:

ماده ۲۰۲۹ به تمام شرایط پایان قرارداد امانی پرداخت کرده است، از جمله پایان به دلیل فوت فرد مستقر و ترک تمام ذینفعان. در صورتی که همه ذینفعان از امانت انصراف دهند، قرارداد به طور خودکار خاتمه می‌یابد، مگر اینکه در قرارداد شرایط ادامه را تعیین کند.

• ماده ۲۰۳۰:

ماده ۲۰۳۰ مشخص می‌کند که در صورت پایان قرارداد امانت در غیاب ذینفع، حقوق، اموال یا اوراق بهادار موجود در دارایی‌های امانتی به تسویه‌کننده باز می‌گردد. همچنین در صورت فوت صاحب امانت، دارایی‌های امانتی به طور خودکار به دارنده برمی‌گردند (Francis L E, 2009).

۵- مقایسه وقف و تعهد به نفع شخص ثالث و تراست در حقوق ایران و فرانسه

موضوع عقد و تراست اگرچه در برخی شرایط مثل موجود بودن موضوع، معین و مشخص بودن موضوع منقول یا غیرمنقول بودن ملک واقف و تراستر بودن تشابه دارند اما در برخی شرایط به روشنی از یکدیگر متمایز هستند در تراست مالکیت عین به تراستی منتقل می‌شود در حالی که در وقف مالکیت عین به متولی منتقل نمی‌شود. در وقف اگر سهم افراد ذی‌نفع مشخص نباشد حمل بر تساوی می‌شود اما در تراست خاص، موجب بطلان تراست می‌شود همچنین یکی از شرایطی که بسیار مهم است و در وقف موجب محدودیت می‌شود عین بودن موضوع وقف است؛ یعنی موضوع وقف حتماً باید عین باشد اما در تراست لازم نیست موضوع از اعیان باشد، لذا از این جهت تراست با محدودیت مواجه نیست و انعطاف قابل توجهی دارد. با توجه به تفاوت‌های مذکور می‌توان گفت نهاد تراست دارای ماهیتی متفاوت از نهاد وقف است، اما با توجه به ادله‌ای چون «اوفوا بالعقود»، «المؤمنون عند شروطهم» و «الناس مسلطون علی «اموالهم و نیز ماده ۱۰ قانون مدنی می‌توان آن را به عنوان عقدی جدید پذیرفت (Samani & Fahimi, 2019).

در تفاوت بین تراست و وقف، ابتدا باید به روابط حقوقی این دو نهاد پردازیم. در حالی که تراست به عنوان یک نوع قرارداد حقوقی مطرح است، وقف به عنوان یک حقوق املاک به تعهد تعلق دارد. یکی از تفاوت‌ها این است که در صورتی که مالی که موضوع تراست است مردد و دلبستگی واضحی به تراست نداشته باشد، تردید مالکیت موجب بطلان تراست نمی‌شود، بلکه صرفاً می‌تواند باعث تغییر در تفاوت‌های حاصل از تراست برای مالک شود. اما در مورد وقف، اگر مال موقوفه به عنوان یک رکن مبهم یا مردد تلقی شود، منجر به بطلان وقف می‌شود. در تعریف موضوع نیز تفاوت وجود دارد. در وقف، مال موضوع باید عینی باشد و مالکیت اصلی از بین نرود، اما در تراست نیازی به موضوع خاص و عینی نیست و اموال غیرملموسی مثل حقوق تألیف و... نیز می‌توانند موضوع تراست باشند. همچنین، تراست ممکن است به صورتی که تنها برای نگهداری و حفظ مال ایجاد شود، بدون هدف انتفاع، در حالی که طبق قوانین وقف، وقف همواره برای انتفاع است. اگر مال موضوع تراست مردد باشد این تردید موجب بطلان تراست نخواهد شد بلکه ذی‌نفع آن تغییر می‌نماید به این معنی که این تراست به عنوان تراست منتج منافعش برای مالک نگهداری خواهد شد. در صورتی که مال موقوفه به عنوان یک رکن مبهم یا مردد باشد. موجب بطلان وقف می‌شود. مال موضوع وقف باید عین باشد و با انتفاع آن اصل مال از بین نرود، اما در تراست لازم نیست مال موضوع تراست عین باشد

بلکه اموال معنوی مثل حق التألیف و..... می‌توانند مال موضوع تراست باشند. علاوه بر اینکه همیشه تراست برای انتفاع نیست بلکه در برخی موارد ایجاد تراست صرفاً برای نگهداری مال است (Samani & Fahimi, 2019).

با توجه به این تفاوت‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که تراست و وقف دارای ماهیت‌های متفاوتی هستند. تراست به عنوان یک نهاد قراردادی و وقف به عنوان یک حقوق املاک در نظام حقوقی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. با این حال، با استناد به برخی اصول عقدی و قوانین مدنی، می‌توان تراست را به عنوان یک قرارداد جدید تلقی کرد. بطور کلی می‌توان گفت که اختلافات و تفاوت‌ها در مفاهیم و دستورات حقوقی میان وقف و تراست، از تفاوت‌های ساختاری و عملکردی آن‌ها نشات می‌گیرد. یکی از تفاوت‌های مهم میان وقف و تراست، در مالکیت موضوع است. در وقف، مالکیت عینی از مال به متولی سپرده می‌شود و متولی موظف به تدبیر و مدیریت اموال برای نیابت از منافع عامه یا هدف خاصی است. اما در تراست، مالکیت عینی به تراستی منتقل می‌شود و تراستی مسئولیت مدیریت و انتفاع اموال را بر عهده می‌گیرد. این تفاوت در مالکیت تأثیرگذار بر نحوه‌ی استفاده و تصرف در اموال است. همچنین، در تراست نیز می‌توان یک گروه افراد را بعنوان ذی نفعان تراست تعیین کرد که منافعی نسبت به اموال یا دارایی‌های مورد تراست دارند. در صورتی که ذی نفعان تعیین شده در تراست مشخص نشوند، تعیین مساوی حقوق به آن‌ها اعمال می‌شود. اما در وقف، در صورتی که سهم و حقوق ذی نفعان واحد از اموال واقف نشود، هر کدام به اندازه‌ی حقوقشان شرکت در اموال واقف خواهند داشت. در نهایت، باید توجه داشت که علی‌رغم تفاوت‌های موجود، هر دو وقف و تراست از طریق قوانین و مقررات خاص خود در جوامع و سیستم‌های حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرند و برای حفظ و انتقال اموال و دارایی‌ها به دیگران به صورت مدیریت شده بکار می‌روند.

نتیجه‌گیری

تراست در حقوق ایران و فرانسه یک نهاد حقوقی است که در هر کشور به شکلی مختص به خود تعریف و اجرا می‌شود. این مقاله با استناد به مفاهیم و مفاد تراست در دو کشور و مطالعه قوانین و مقررات مرتبط، تفاوت‌ها و تشابه‌های قابل توجهی بین تراست در ایران و فرانسه را بررسی کرده است. همچنین، نقش تراست در سازمان‌دهی حقوقی و حفظ حقوق و آزادی‌های افراد در هر دو کشور مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله نیز تجربه و تطبیق‌های تراست با نهادهای مشابه در حقوق ایران و فرانسه را بررسی کرده و مزایا و معایب نظام تراست در هر دو کشور را بحث و بررسی نموده است. از این رو، با توجه به مطالعات ارائه شده، بهبود و توسعه نظام تراست در هر دو کشور می‌تواند با توجه به مزایا و معایب مشخص شده، بهبود یابد.

نتیجه بررسی تطبیقی جایگاه تراست با نهادهای مشابه در حقوق ایران و فرانسه نشان می‌دهد که در دو کشور، تراست با نهادهایی مانند حقوق بشر، حقوق شهروندی، قوانین تعمیر خسارت، قوانین مدیریت عمومی و قوانین مربوط به سلطه قضاوت قابل مقایسه است. در مقابل، تراست در حقوق ایران و فرانسه دارای تفاوت‌هایی است. به عنوان مثال، در حقوق ایران، سازمان مستقلی به نام سازمان تراست وجود ندارد، اما در فرانسه سازمان‌های مشابهی مانند لا کومیسون ناسیونال دو لا تراست (CNIL) وجود دارند. در نهایت، نتیجه مشخص است که در حقوق ایران و فرانسه، تراست هر یک با توجه به مفهوم و مفاد خود، در نظام‌های حقوقی این دو کشور جایگاه منحصر به فردی دارند و تفاوت‌ها و تشابه‌های آن‌ها نشان از تطورات قابل توجه در حقوق هر یک از این کشورها می‌دهد.

علاوه بر تفاوت‌ها، مقایسه تطبیقی جایگاه تراست با نهادهای مشابه در حقوق ایران و فرانسه نشان می‌دهد که هر کشور دارای ویژگی‌ها و قلمروی خود در اجرای تراست است. در حقوق ایران، تراست بیشتر به عنوان ابزاری برای حفظ حقوق افراد در برابر دولت تلقی می‌شود. در

حقوق فرانسه، تراست همچنین در حفظ حقوق افراد نقش دارد، اما بیشتر به عنوان ابزاری برای حفظ حقوق افراد در برابر سازمان‌های غیردولتی و تجاری تعریف می‌شود. در ایران، اجرای تراست تحت نظارت نهادهای دیگری مانند قوه قضائیه قرار دارد. در فرانسه، نهادهایی مانند CNIL به عنوان سازمان‌های مستقل تخصصی برای حفاظت از تراست فعال هستند. این تفاوت در سازمان‌دهی و اجرا نشان می‌دهد که هر کشور با توجه به وضعیت قانونی و مؤسساتی خود، رویکرد متفاوتی به امور تراست دارد.

همچنین در حقوق ایران و فرانسه هر کدام دارای سیستمی برای حفظ و تأمین حقوق افراد از طریق تراست هستند، اما با توجه به تفاوت‌های مفهومی، قوانین، نهادها و سازمان‌دهی، نحوه اجرا و اثربخشی آن‌ها می‌تواند در هر کشور متفاوت باشد. به طور خلاصه، این مقاله نشان می‌دهد که تراست در حقوق ایران و فرانسه، هر کدام در قالب خود، نهادها و سیستم‌های خود را دارند و تفاوت‌ها و تشابه‌های آن‌ها، از نظر تعریف، قوانین، سازمان‌دهی و اجرا، تأثیر گذار بر نحوه حفظ و تأمین حقوق افراد در هر کشور می‌باشد. نتایج همچنین نشان می‌دهند که در حقوق فرانسه، تراست به عنوان یک مفهوم حقوقی مستقل مطرح می‌شود که از تفهیم دقیق و کاملی برخوردار است.

از طرف دیگر، نهاد وقف در حقوق ایران با توجه به مرجع‌های دینی قائل به اهمیت و قدرت بالایی است. این تفاوت نشان می‌دهد که در حقوق فرانسه، تراست به عنوان یک حق تملک شخصی شناخته می‌شود و افراد می‌توانند بر املاک و دارایی‌های خود استفاده کنند، در حالی که در حقوق ایران، نهاد وقف در حدود معینی به منظور خیریه و خدمت به جامعه برای بهره‌برداری عمومی ایجاد می‌شود. از طرفی در حقوق فرانسه، تراست به عنوان یک حقوق مالکیت شخصی شناخته می‌شود و فرد به طور کامل از دارایی‌ها و املاک خود استفاده می‌کند. و در حقوق ایران، نهاد وقف نقش مهمی در تعیین و مدیریت املاک و دارایی‌ها برای منافع خیریه و اهداف عمومی دارد. علاوه بر این، مشاهده می‌شود که حقوق فرانسه با دقت بیشتری به تعریف وظایف و حقوق افراد پرداخته است، در حالی که در حقوق ایران بهبود و کامل‌تر شدن نهاد وقف و تعیین دقیق‌تر وظایف آن امری ضروری است. از این رو، این تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان با مرور و بررسی مطالبات و نظام وقف در حقوق فرانسه، بهبود و بهینه‌سازی نهاد وقف در حقوق ایران را تسهیل کرد و از استفاده بهینه و مناسب اموال خیریه و عمومی در کشور سود برد. در حالت کلی، یافته‌های تحقیق به شرح زیر است:

۱. پیدایش تراست در حقوق ایران و فرانسه: مطالعه نشان می‌دهد که در قانون و سیستم حقوقی ایران و فرانسه، تراست به عنوان یک نهاد حقوقی حاکم بر حقوق و آزادی‌های افراد توجه و بررسی شده است. این موضوع نشان می‌دهد که هر دو کشور به نحوی به تراست به عنوان یک اصل اساسی در حقوق خود توجه و تعهد دارند.

۲. تفاوت‌ها و تطبیق بین تراست در حقوق ایران و فرانسه: تحلیل مقایسه‌ای نشان می‌دهد که در حقوق ایران و فرانسه، تفاوت‌های مهمی در نحوه تعریف و اجرای تراست وجود دارد. برخی از تفاوت‌ها شامل اولویت‌بندی شاخص‌ها و اصول مورد استفاده برای حفظ حقوق و آزادی‌ها، نقش دولت و مراجع قضایی در اجرای تراست، و مبادی تفسیر و تعبیر قوانین در قبال تمامیت حقوقی افراد است.

۳. مقایسه وقف در ایران با تراست در فرانسه: تفاوت بین وقف و تراست به تعریف موضوع، هدف استفاده، مالکیت، مدیریت و ذی نفعان مربوط می‌شود. در وقف، مالکیت عینی به متولی منتقل می‌شود و هدف انتفاع عامه است. اما در تراست، مالکیت عینی به تراستی منتقل می‌شود و هدف استفاده می‌تواند عامه یا خاص باشد. تراست مسئولیت مدیریت و انتفاع اموال را بر عهده دارد و در تراست می‌توان گروهی از ذی نفعان تعیین کرد. در وقف، هر ذی نفع برابر در حقوق واقعی شرکت دارد.

۴. تراست، نهاد وقف و تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق ایران و فرانسه، هر یک جایگاه مهمی در سیستم‌های حقوقی دارند. این نهادها به‌طور کلی برای حفظ اموال و منافع اقتصادی استفاده می‌شوند و همچنین در تحقق اهداف اجتماعی و فرهنگی نیز نقش دارند. در مقایسه تراست و نهاد وقف، تراست به عنوان یک نهاد حقوقی بین‌المللی در سطح جهانی شناخته شده است، در حالی که نهاد وقف بیشتر در قوانین و حقوق ایران تأکید شده است. اما هر دو نهاد به صورت کلی برای حفظ و مدیریت اموال به منفعت اشخاص استفاده می‌شوند. همچنین، تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق فرانسه نیز یک نهاد مشابه تراست است که برای حمایت از منافع اشخاص ثالث به کار می‌رود. با این حال، تراست و تعهد به نفع شخص ثالث در جوانبی نظیر معیارها و تشریفات متفاوتی قرار دارند. به طور کلی، هر سه نهاد در هدف خود یعنی حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی، نقش مهمی دارند.

۵. تراست، نهاد وقف و تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق ایران و فرانسه هر یک جایگاه مهمی را در سیستم‌های حقوقی دارند. هر یک از این نهادها به صورت مشابهی برای حفظ و مدیریت اموال به منفعت اشخاص و جامعه استفاده می‌شوند. با این حال، در سیستم حقوق ایران، نهاد وقف به عنوان یک نهاد با تشریفات خاص و در فرایند وقف دارای مقررات مشخصی است. در حقوق فرانسه، تراست و تعهد به نفع شخص ثالث برای حمایت از حقوق و منافع اشخاص ثالث تعریف و استفاده می‌شوند. هر سه نهاد از منظر حفظ اموال و منافع اقتصادی، تحقق اهداف اجتماعی و فرهنگی، و جلوگیری از سوءاستفاده و قدرت سلطه بر منافع طرفین مهم هستند. با این حال، بهبود مفهوم و تشریفات این نهادها در حقوق ایران و فرانسه امری ضروری است. به عنوان مثال، در حقوق ایران، نیاز به تبیین مفهوم و قوانین مربوط به تراست و نهاد وقف در جهت افزایش کارآمدی آن‌ها و تأمین حقوق و منافع اشخاص است. همچنین، در حقوق فرانسه، توسعه تعهد به نفع شخص ثالث و استفاده بیشتر از آن در رابطه با حفظ حقوق ثالث توصیه می‌شود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The concept of trust, as a legal institution, plays a crucial role in managing and safeguarding assets for various purposes. This paper provides a comparative analysis of trust and similar institutions within Iranian and French legal frameworks. The research methodology involves collecting data from legal sources, analyzing previous studies, and comparing legal structures and principles across both jurisdictions. The study highlights the historical roots of trust, tracing its origins back to Roman law and its evolution during the Middle Ages when Crusaders used it to manage their assets in their absence. Trust serves three primary functions: managing assets for the benefit of the owner, providing financial security, and facilitating the transfer of assets to third parties. In contrast, Iranian law incorporates a similar concept known as waqf, which dedicates assets for charitable or religious purposes while maintaining the principal asset separate from the owner's other properties. The study

identifies key similarities and differences between these institutions, focusing on their legal structure, purpose, and flexibility in application.

In French law, the concept of trust, formally introduced in 2007, allows individuals and legal entities to transfer ownership of assets to trustees for management. French trust law mandates specific conditions, including the definition of transferred assets, the duration of the trust (up to 99 years), and the responsibilities of trustees. Trusts in France are versatile and used for wealth management, creating financial guarantees, and facilitating complex commercial transactions (Francis L E, 2009). On the other hand, Iranian law traditionally relies on the concept of waqf, which has deep roots in Islamic legal tradition and serves purposes closely aligned with religious and charitable objectives. Waqf law in Iran emphasizes the permanent dedication of assets, with a trustee managing the assets to ensure compliance with the donor's intent (Katouzian, 1999). The primary distinction lies in the flexibility offered by French trust law, which allows for a broad range of beneficiaries and objectives, whereas waqf is typically limited to socially beneficial purposes.

A key aspect of this comparative study is the examination of legal frameworks governing both institutions. French trust law provides a comprehensive set of regulations that allow for greater autonomy and flexibility in asset management, while Iranian waqf law is deeply rooted in religious principles, with specific regulations that limit the scope of its application. In Iran, waqf assets must be managed with strict adherence to Islamic legal principles, ensuring their use aligns with the donor's religious and charitable intentions. French law, however, allows trusts to be structured in a way that suits the diverse needs of individuals and businesses, making it a more dynamic legal tool in modern financial transactions (Abhari Ali-Abad & Razian, 2007; Ansari & Taheri, 2005; Beaulne & Barette, 2015; Bem, 2022).

This research also investigates additional asset management mechanisms in both legal systems. In French law, the third-party beneficiary contract serves similar purposes to trust, allowing a party to contractually benefit a third party without establishing a formal trust structure. In Iranian law, the concept of third-party beneficiary contracts also exists, although it is primarily used within the framework of traditional contract law rather than as an independent asset management tool. The study explores how these mechanisms complement or substitute for trust and waqf, providing insights into their effectiveness in different legal and cultural contexts.

A comparative analysis reveals that while trust and waqf share common goals of asset preservation and management, their legal underpinnings differ significantly. Trust in France offers greater flexibility in defining beneficiaries, duration, and purpose, making it suitable for commercial and personal wealth management. In contrast, waqf in Iran is primarily used for philanthropic purposes and is governed by strict religious guidelines that influence its administration. The study suggests that legal reforms in Iran could incorporate certain features of the French trust model to enhance the utility of waqf while preserving its religious and cultural significance.

The findings of this study contribute to the broader understanding of how different legal systems approach asset management through institutional arrangements such as trust and waqf. The comparative perspective offers valuable insights for policymakers, legal practitioners, and scholars seeking to enhance legal frameworks to better serve societal needs. The study concludes that while trust and waqf play significant roles in their respective legal systems, adapting elements from each system could improve their functionality and applicability in a globalized legal environment.

References

- Abhari Ali-Abad, H., & Razian, A. (2007). The Concept and Nature of Waqf and the Status of Waqf Property Ownership in Imamiyyah Jurisprudence and Iranian Civil Law. *Articles and Reviews*, 40(86), 11-30.
- Ansari, M., & Taheri, M. A. (2005). *Encyclopedia of Private Law* (Vol. 1). Mehrab Fekr Publications.
- Barzegar, M. M., & Pasban, M. R. (2010). *Comparative Study of Trust and Similar Institutions in the Iranian Legal System* [Allameh Tabataba'i University].
- Beaulne, J., & Barette, A. J. (2015). *Droit des fiducies*. Wilson & Lafleur.
- Bem, A. (2022). *Avocat contentieux et enseignant: Sharing legal knowledge and passion*. <http://www.cabinetbem.com>
- David, R., & Joffre-Spinosi, C. (2005). *Introduction to Comparative Law and Two Major Contemporary Legal Systems*. Mizan Publications.
- Dubois, R. (2018). The Concept of Trust in French Law. *Business Law Review*, 9(2), 125-144.
- Emami, S. H. (2006). *Civil Law* (Vol. 1). Islamiyyah Publications.
- Francis L. E. (2009). *Fiducie, mode d'emploi: Régime juridique, fiscal et comptable - Aspects internationaux*. Francis Lefebvre Editions.
- Ibarra Garza, R., & Larroumet, C. (2014). *La protection du patrimoine fiduciaire - trust fund (étude comparée: droit français- droit anglais)*. Paris.
- Jafari Langroudi, M. J. (2005). *Civil Law Course: Inheritance* (Vol. 1). Ganj Danesh Publications.
- Joneidi, M. M. (2019). *Collection of Laws, Regulations, and Executive Orders on Waqf and Endowments*. Farvak Publications.
- Katouzian, N. (1999). *Civil Law, Specific Contracts: Gifts*. Ganj Danesh Publications.
- Mohaqqeq Damad, S. M., & Sadeghi, M. (2000). Legal Basis and Effects of Obligation for the Benefit of a Third Party in Imamiyyah Jurisprudence. *Modares Humanities*, 4(4), 75-94.
- Samani, E., & Fahimi, A. (2019). Comparative Study of the Conditions of Waqf Property and Trust Subject in Islamic and English Law. *Islamic Jurisprudence Studies and Legal Foundations*, 13(40), 149-174.